



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.1, No3, 1-32.
Dor 20.1001.1.28212088.2022.1.3.1.9

Identity and rationalism in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (with emphasis on the presidency of Hassan Rouhani)¹

Hossein Karimifard²

Abstract

Iranian foreign policy researchers know that the sources and components of executive elite identity and rationalism are essential elements in defining the national interest and foreign policy direction of this country. Examining the foreign policy of the Islamic Republic of Iran with an emphasis on Rouhani's presidency shows that they have been effective in foreign policy making and implementation that Islamism with a pragmatic interpretation, modernism with a focus on economic development, statism and emphasizing the role of the nation-state in foreign policy, de-escalation of tensions with USA and the countries of the Islamic world, especially with the countries of the Persian Gulf region. In this article, an attempt has been made to examine the relationship between the identity of elites and rationality in formulating and implementing foreign policy. The question is, What role did the identity components of the executive elite and the element of rationality play in the foreign policy of Rouhani's state? This study uses an analytical-interpretive method to examine this hypothesis, The result of elements of the national identity of the executive elites of the Rouhani state and rationalism have been effective in de-escalating tensions with the West and neighboring countries, providing favorable conditions for economic investment and creating a peaceful image.

Keywords: *identity, elite, rationality Rouhani state, foreign policy.*

¹ . Received, 2022/07/24; Accepted, 2022/10/2; Printed, 2022/12/03

² . Associate Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. hkarimifard@yahoo.com (Corresponding Author)



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، ۱-۳۲.

هویت و عقلانیت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی)^۱

حسین کریمی‌فرد^۲
چکیده

از دیدگاه پژوهشگران سیاست خارجی ایران، منابع و مؤلفه‌های هویت‌نخبگان اجرایی و عقلانیت‌گرایی از عناصر اساسی و تعیین‌کننده در تعریف منفعت ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی هستند. بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دوره ریاست‌جمهوری روحانی حاکی از این است اسلام‌گرایی با قرائت عمل‌گرایانه، تجددگرایی با تمرکز بر توسعه اقتصادی، دولت‌گرایی و تأکید بر نقش دولت-ملت در سیاست خارجی، تنش‌زدایی با آمریکا و کشورهای جهان اسلام خصوصاً با کشورهای منطقه خلیج فارس عناصری تعیین‌کننده در تعریف منفعت ملی بودند. در این مقاله تلاش می‌شود به بررسی رابطه هویت و عقلانیت در تدوین و اجرای سیاست خارجی دولت آقای روحانی پرداخته شود. پرسش اصلی که این مقاله درصدد پاسخ به آن است، عبارت است از مؤلفه‌های هویتی نخبگان فکری و اجرایی و عنصر عقلانیت چه نقشی در سیاست خارجی دولت روحانی داشتند؟ فرضیه این پژوهش که با روش تحلیلی و تبیینی مورد آزمون قرار می‌گیرد نیز عبارت است از اینکه رابطه دیالکتیک و تأثیر و تأثر عناصر هویت ملی نخبگان فکری و اجرایی دولت روحانی و عنصر عقلانیت در تنش‌زدایی و تعامل با غرب و کشورهای همسایه، فراهم‌کردن زمینه لازم جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی و ارائه تصویری صلح‌طلبانه مؤثر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: هویت، نخبگان، عقلانیت، روحانی، سیاست خارجی.

۱. تاریخ دریافت، ۱۴۰۱/۵/۲؛ تاریخ پذیرش، ۱۴۰۱/۷/۱۰؛ تاریخ چاپ، ۱۴۰۱/۹/۱۲
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
hkarimifard@yahoo.com

مقدمه

در دروه ریاست‌جمهوری روحانی مؤلفه‌های ذهنی و عینی متعددی در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا مؤثر بودند. دولت تدبیر و امید با مبانی و مبنای متفاوتی نسبت به دولت محمود احمدی‌نژاد، موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌داد. در حوزه سیاست خارجی همکاری با غرب‌گرایی مدنظر قرار گرفت و تلاش شد سیاست خارجی زمینه و بستر لازم را جهت توسعه اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آورد.

از دیدگاه نخبگان فکری و اجرایی دولت یازدهم و دوازدهم، مهم‌ترین هدف و انگیزه رفتاری جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی به‌عنوان یک «دولت-ملت»^۱ تأمین منفعت ملی، توسعه و رفاه ملت است. مصحلت‌گرایی و عمل‌گرایی روح حاکم بر رفتار و کنش سیاسی نخبگان دولت یازدهم و دوازدهم است.

دولت روحانی بیشتر از اینکه مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، ایدئولوژی‌ها و گفتمان باشد، مجموعه‌ای از نهادها بود و بیشتر از اینکه مقوله‌ای ذهنی و انتزاعی باشد، مقوله‌ای عینی و انضمامی بود. دولت روحانی متشکل از اشخاص، گروه‌ها و احزاب مختلف سیاسی بود. دولت به معنای کابینه و هیئت وزیران در جمهوری اسلامی ایران،

- مشروط است طبق قانون اساسی؛ «قانون اساسی و محدودیت‌های ناشی از آن زائده‌ای بر پیکر دولت نیست که بدان اضافه شده باشند، بلکه جزئی از نظریه خاص درباره دولت است. محدودیت‌های مورد نظر جزء ذاتی و خصوصیات ممیزه این نظریه‌اند و مستقل و مجزا از آن نیستند. قانون اساسی و محدودیت‌های ناشی از آن بر پیدایش دولت تلقی می‌شوند» (وینست، ۱۳۷۹، ۱۲۴).

¹ -Natian_State

- کثرت‌گراست؛ متشکل از از گروه‌ها، جناح‌ها و طیف‌های سیاسی چپ و راست مدرن مثل کارگزاران، اصلاح‌طلبان، عدالت و توسعه و... .

- پراگماتیست هستند؛ یک پراگماتیست علاقه‌ای به تجرید، راه‌حل‌های لفظی، اصول ثابت و مطلق‌ها ندارد. او به امور واقع، به عمل و به قدرت توجه می‌کند. این رویکرد در جست‌وجوی هیچ نتیجه خاصی نیست، بلکه فقط یک بینش است که با اتکا به آن می‌توان از بطن هر مفهوم و واژه‌ای ارزش عملی آن را بیرون کشید و در درون سیلان تجربه به کار گرفت. در واقع بینش و روش پراگماتیک، تنها یک شیوه جهت‌گیری و تبیین است؛ شیوه‌ای که به جای پرداختن به مقدمات، اصول، مقولات و ضروریات تصویری، به غایات، ثمرات، نتایج و امور واقع می‌پردازد (کاظمی، ۱۳۸۴، ۱۲۰).

دولت یازدهم و دوازدهم متشکل از احزاب و گروه‌های سیاسی مختلفی با گرایش‌های سیاسی مختلف در ایران اعم از کارگزاران، اصلاح‌طلبان، اعتدال و توسعه، روحانیون و... است. نخبگان اجرایی و فکری دولت اعتدال در عرصه داخلی توسعه اقتصادی و در عرصه سیاست خارجی تعامل با قدرت مسلط نظام بین‌الملل را در دستور کار خود قرار دادند. روحانی در زمان تبلیغات ریاست‌جمهوری و در مقاطع اندکی از دوره ریاست‌جمهوری به صورت سیاسی بر بعضی از شاخص‌های توسعه سیاسی تأکید داشت. به عبارت دیگر روحانی در سیاست اعلانی خود بر موارد اندک از شاخص‌های توسعه سیاسی تأکید داشت.

از دیدگاه روحانی و سایر نخبگان فکری و اجرایی دولت اعتدال، هدف اصلی این دولت درمان آسیب‌های داخلی و رفع تهدیدهای بیرونی علیه جمهوری اسلامی است. روحانی برای دستیابی به این امر در سیاست خارجی تعامل با قدرت مسلط جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا و در داخل کشور بر توسعه اقتصادی تأکید کرد. از دیدگاه روحانی با توجه به ساختار قدرت جهانی، فرایند جهانی‌شدن و به‌هم‌پیوستگی اقتصاد جهان برای توسعه اقتصادی ایران نیاز به تنش‌زدایی با غرب به خصوص تنش‌زدایی و تعامل با ایالات متحده آمریکا است.

موضوع مهم و محوری در این تحقیق، چگونگی تعریف و تبیین عناصر هویت نخبگان اجرایی و فکری و عقلانیت، ارتباط و مناسبت‌های مختلف بین آنها، تعیین مدلول و معنای آنهاست. به عبارت دیگر از دیدگاه دولت آقای روحانی منفعت ملی بیشتر یک واقعیت عینی و مادی است. ایدئولوژی، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و بومی در چارچوب عقلانیت تجددگرایانه تکوین یافته و در تعریف و تبیین منفعت ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی نقش ایفا می‌کنند.

مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر بررسی و تبیین انگاره‌های هویتی نخبگان و کارگزاران فکری و اجرایی دولت یازدهم و دوازدهم و رابطه دیالکتیک آنها با مفهوم عقلانیت در عرصه سیاست‌گذاری خارجی، تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای ملی و بین‌المللی بر تکوین سیاست خارجی دولت روحانی و تحلیل و تبیین نقش جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل است.

چارچوب نظری

هیچ‌کدام از نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل به تنهایی نمی‌تواند سیاست خارجی روحانی را به‌طور کامل توضیح دهد و تبیین کند. سیاست خارجی روحانی با تأکید بر نهادهای بین‌المللی، حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌الملل برای تأمین منفعت ملی، ثبات، امنیت و توسعه ایران رگه‌هایی از لیبرالیسم را در سیاست خارجی ایران به نمایش می‌گذارد. موافقت با پیوستن به سازمان بین‌المللی «گروه ویژه اقدام مالی»^۱، تأکید بر برجام به‌عنوان یک معاهده بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی و تعامل با سازمان ملل متحد و شورای امنیت به‌عنوان تضمین‌کنندگان اجرای برجام و خوش‌بینی به وفاداری آمریکا به تعهدات برجام نمونه‌هایی از لیبرالیستی بودن سیاست خارجی روحانی است. نادیده‌گرفتن ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و پیامدهای آن و بی‌توجهی به نظریه‌های امنیتی مبتنی بر رئالیسم از نقاط ضعف این رویکرد است. تأکید روحانی بر تعامل با قدرت برتر و مسلط در نظام بین‌الملل یعنی ایالات متحده آمریکا برای حل مسئله هسته‌ای و تأکید بر محاسبه‌گری و

عقلانیت‌گرایی نشان از وجود رگه‌های قوی از تجددگرایی و نظریه رئالیسم در سیاست خارجی روحانی دارد. از طرف دیگر، سیاست خارجی روحانی مبتنی بر مؤلفه‌ها و عناصر هویتی خاصی است. تفسیر و قرائت خاص از حوادث مهم و تأثیرگذار در تاریخ اسلام مثل صلح امام حسن (ع) و حوادث رخ داده در حماسه عاشورا، نشان از رگه‌های اسلام‌گرایی در برساخته‌شدن و تکوین سیاست خارجی روحانی دارد.

لازم به ذکر است اکثر متون و مقالاتی که درباره سیاست خارجی روحانی نگاشته شده، با تأکید بر نظریات خردگرایانه سیاسی بوده و کمتر بر نقش مؤلفه‌های هویتی نخبگان حامی این دولت و تلفیقی از مؤلفه‌های اساسی از نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل (رئالیسم، لیبرالیسم و سازه‌گرایی) توجه شده است. بنابراین در این مقاله مؤلفه‌هایی مثل اسلام‌گرایی، عقلانیت‌گرایی، تکلیف‌گرایی، تأکید بر رعایت هنجارها و قواعد بین‌المللی و توازن و تعادل از نظریه‌های مختلف برجسته می‌شوند. اما ضروری است برای روشن شدن چارچوب بحث دو مفهوم «هویت» و «عقلانیت» تعریف شود.

الف. مفهوم هویت

هویت به‌عنوان «تشابه و یکنواختی ویژگی‌های عمومی و اساسی» یا «فرایند معناسازی بر اساس يك ویژگی فرهنگی یا مجموعه مبهم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود. هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است و برای هر کنشگری ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد و همین مسئله موجبات تنش و تناقض است. برخی موارد، میان هویت و نقش نوعی خلط می‌پدید می‌آید. اما هویت در مقایسه با نقش، منبع معنایی نیرومندتری است؛ زیرا دربرگیرنده فرایندهای ساختن خویش و فردیت‌یافتن است. در واقع هویت سازمان‌دهنده معناست، ولی نقش، سازمان‌دهنده کارکرد کنشگر است (کاستلز، ۱۳۸۰، ۳-۲۲).

هر دولتی بر مارک و نشان ویژه تمرکز می‌کند و تصویری از آن در ذهن خود می‌سازند و از طریق آن را از دیگر دولت‌ها می‌شناسند. بنابراین دولت‌ها نقش متفاوتی در جهان بازی می‌کنند و ممکن است هر دولت یک مأموریت بر عهده بگیرد که اساسش بر ماهیت ویژه جامعه استوار است. برای مثال دولت‌هایی که تأکید بر رسالت تاریخی خود دارند. نوع دولت، با توجه به عضویت در گروه‌های اجتماعی، منافع، ارزش‌ها، نوع شخصیتی که داراست، معلوم می‌شود (Headley, 2007, 1-2) دولت روحانی با تأکید بر مارک و نشان «اعتدال»، تلاش کرد ماهیت و هویت صلح‌آمیز جمهوری اسلامی را در جامعه بین‌الملل به نمایش بگذارد و از چهره مثبت دولت اعتدال به‌عنوان سرمایه‌ای برای تعاملات بین‌المللی بهره‌برد.

ب. مفهوم عقلانیت

هرگونه شیوه زندگی را که فعالیت دنیایی را با لحاظ منافع فردی در وجه عمل‌گرایانه خودخواهانه‌اش می‌نگرد و داوری می‌کند، واجد عقلانیت عملی می‌نامند. شیوه زندگی مبتنی بر عقلانیت عملی متضمن الگوی کنش نیست که به نیت از نظام ارزشی مطلق مثلاً برخی از امور عادی زندگی روزمره را فعالانه در کنترل داشته باشد، بلکه به برخی از واقعیات گردن می‌نهد و به‌صرفه‌ترین وسیله را برای غلبه بر مشکلاتی که آن واقعیات پیش می‌آورند در نظر می‌گیرد. کنش عمل‌گرایانه بر حسب منافع روزمره، رو به بالا دارد و برای نیل به اهداف عملی معین باید مناسب‌ترین وسیله را با احتیاط سنجید و با دقتی فزاینده در نظر گرفت. بنابراین این نوع عقلانیت جلوه‌ای از توانایی انسان برای کنش عقلانی ناظر به وسیله هدف است (کالبرگ، ۱۳۸۹، ۶۶).

انگاره‌های هویتی گفتمان اعتدال

عناصر هویت ایرانی (ملیت، اسلامیت و تجدد) نزد نخبگان، احزاب و جناح‌ها سیاسی نه به صورت تفکیک شده، بلکه ملغمه‌ای از آنان با برجستگی یک یا دو عنصر هویتی وجود دارد. روحانی قرائت خاصی از عناصر هویت ملی دارد و تأثیرگذاری این قرائت بر سیاست داخلی و خارجی باعث

سیاست‌گذاری و جهت‌گیری خاصی در عرصه‌های مختلف شده است. درک و فهم روحانی از تجدد بیشتر اقتصادی است تا سیاسی. به همین دلیل بیشتر به توسعه اقتصادی بها می‌داد و توسعه سیاسی را در حاشیه قرار می‌داد و بیشتر در سیاست اعلانی بر آن تأکید داشت.

گفتمان اعتدال محصول وضعیت اجتماعی شرایط درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. «اعتدال خواهی را می‌توان تلاش برای کنار هم آوردن توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت دانست. از سوی دیگر عدالت خواهی بر درکی بین‌الذلهانی از ضرورت تعامل سازنده با جهان بنا شده است. البته همه نیروهای اجتماعی به یکسان خواستار همه این عناصر نیستند؛ برخی بیشتر بر توسعه اقتصادی و برخی دیگر بر وجوه دیگر توسعه تأکید می‌کنند. از طرف دیگر جامعه ایرانی نیز متأثر از شرایط منطقه‌ای بوده است. به‌هرحال تجربه جنگ داخلی سوریه، اشغال خارجی در عراق و افغانستان، مداخله نظامی مستقیم در لیبی، ادامه اعتراضات در بحرین، بحران در مصر و مسائل پیش‌آمده در جامعه ترکیه بوده‌اند. اعتدال‌خواهی نوعی واکنش به بیم و هراس‌های ناشی از احتمال دچار شده به وضعیت مشابه کشورهای برشمرده شده نیز هست (ربیعی، ۱۳۹۳، ۱۱).

حزب اعتدال و توسعه، کارگزاران سازندگی، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات، مجمع روحانیون مبارز، خانه کارگر، حزب اعتماد ملی، حزب همبستگی، حزب مردم‌سالاری و... از حامیان گفتمان اعتدال هستند که آمیخته‌ای از حامیان توسعه اقتصادی و سیاسی هستند (سنایی، حجت‌شمامی، ۱۳۹۶، ۱۵۳).

فرهنگ سیاسی در گفتمان اعتدال ماحصل تکوین گفتمان انقلاب اسلامی و یک جدال متنی-گفتمانی بین گفتمان‌های پیشین خود برای تثبیت شکل و محتوای خاصی از صورت‌بندی قدرت است (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵، ۵۲).

مفهوم اعتدال درصدد پرکردن یا جمع کردن انگاره‌های هویتی سنت و تجدد است، «گفتمان همساز با سنت، از هویت جمعی بر مبنای معنویت دینی دفاع می‌کند، خواهان یکپارچگی حول و حوش باورها و مناسک دینی است، تابع الهیاتی دوگانه‌ساز بر مبنای دارالمؤمنین و دارالکفر است، آخرت‌گراست و مدافع یک حکومت تماماً دینی در عرصه سیاسی. در مقابل با سازه گفتمانی دیگری مواجهیم که همساز با سازوکارهای مدرن، دنیاگراست، برای این جهان موضوعیت قائل است، کثرت‌گراست، از صورت‌بندی‌های مستقل از دین دفاع می‌کند و در عرصه سیاسی مدافع سکولاریسم و نظم دموکراتیک است. بنابراین اعتدال یک بازیگر زیبایی است که می‌تواند در این شقاق گفتمانی نقش‌هایی ایفا کند گویا می‌توان در شکاف عمیق میان دو اردوگاه سنت‌گرا و مدرن عرصه سوی پیدا کند» (کاشی، ۱۳۹۲).

«بر اساس مبانی نظری مطرح در گفتمان اعتدال، مهم‌ترین راهبرد و نیز توصیف از هویت‌های جمعی ایرانیان آن است که هویت‌های جمعی ایرانیان در وضعیت متعادل، هماهنگ و ترکیب‌یافته قرار دارند که در بین آنها تعارض رقابت تضاد و ناسازگاری وجود ندارد؛ به عبارتی با نوعی همزیستی هویت‌های متنوع در ایران روبه‌رو هستیم. لذا در گفتمان اعتدال این همزیستی و همگرایی پاس داشته می‌شود» (حاجیانی، ۱۳۹۳، ۵۹) و مبنای حرکت برای هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری خارجی حفظ تعمیق و ارتقای این همنشینی هویت‌های جمعی در ایران است.

هویت دولت اعتدال هم به «هویت مدرن پهلو می‌زند، هم به دلایل سیاسی از اسلام سنتی فاصله گرفته و هم اینکه از مدرنیته، به توسعه اقتصادی بسنده کرده و به همان نسبت با مبنای فکری مدرنیته فاصله دارد. این گفتمان در عرصه سیاست خارجی تنش‌زدایی را تعقیب می‌نماید. بنابراین سه هویت باستانی، اسلامی و مدرن را با هم دارد» (سنایی، حجت شماتمی، ۱۳۹۶، ۱۵۴).

دال مرکزی گفتمان اعتدال، تعادل و توازن است. عناصر و دقایق اعتدال‌گرایی را می‌توان بر اساس ماهیت آرمان‌گرا و واقع‌بین آن تنظیم و تبیین کرد؛ به طوری که مجموع عناصر و دقایق آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تشکیل‌دهنده اعتدال‌گرایی خواهند بود. از این‌رو، دقایق در یک زنجیره هم‌ارزی قوام‌بخش و هویت‌دهنده این گفتمان بوده و قابل تفکیک و تجزیه نیستند. آرمان‌گرایی، واقع‌بینی، عقل‌گرایی متوازن، تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه، تعامل‌گرایی مؤثر و سازنده، امنیت‌طلبی مثبت، منزلت‌طلبی، صلح‌طلبی مثبت، عدالت‌طلبی مثبت، کمال‌گرایی، توسعه‌طلبی متوازن و... را به عنوان عناصر این گفتمان تعریف می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ۲۶).

نخبگان فکری حامی دولت اعتدال و آقای روحانی در صدد برساخته شدن «دگر»، «غیر» و یک «تهدید» برای انسجام و استحکام بخشیدن به گفتمان هویتی اعتدال بودند. آنها «افراط‌گرایان، خشونت‌ورزان و کاسبان تحریم را به عنوان «غیر و دگر» در نظر می‌گرفتند. «ناراحتید از اینکه چهار سال شما، کاسبان تحریم، کاسبی‌تان کساد شده؟ ناراحتید؟» (روحانی، www.eghtesadnews.com ۱۳۹۶/۲/۱۷). «کاسبان تحریم بدانند که تحریم برداشته شده و برنمی‌گردد». ظریف نیز افراط‌گرایی را به عنوان یک «غیر» و تهدید نه فقط برای دولت اعتدال بلکه برای تمام جهان فارغ از فرقه یا مذهب خاص می‌داند؛ «ما می‌توانیم خطر خشونت و افراط‌گرایی را خنثی کنیم. این تهدید خطوط فرقه را نمی‌شناسد. همه ما باید برای مهار موج افراط‌گرایی در کنار هم قرار بگیریم. این تهدیدی عمومی است» (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵، ۵۷).

عناصر برساخته شدن هویت اعتدال

۱. خردمحوری (به کارگیری خرد و استدلال عقلی و منطقی و علمی در کلیه تصمیمات و اتکا بر خرد جمعی نخبگان)؛

۲. باور به نقدپذیری و شفافیت؛

۳. احترام به قانون‌گرایی و نظم؛

۴. احترام به کلیه علائق، سلايق و دیدگاه‌ها؛

۵. تعامل سازنده و مؤثر با جهان؛

۶. روایت اصولگرایانه و رحمانی از دین (معصومی‌راد، ۱۳۹۳، ۲۳۱).

بررسی مؤلفه‌های معنایی _ هویتی نخبگان دولت اعتدال

توسعه و پیشرفت یا انحطاط و فروپاشی نظام‌ها سیاسی با نقش نخبگان سیاسی رابطه همبستگی مثبت دارد. نخبگان سیاسی به‌عنوان گروه مرجع در جامعه، منبع و مصدر ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری محسوب می‌شوند؛ به طوری که با مشاهده و مطالعه نوع رفتار انسان‌ها در یک جامعه می‌توان رگه‌هایی از رفتار نخبگان آن جامعه را بازبینی کرد. ترقی و تعالی یک جامعه نشان از شایستگی و کارآمدی نخبگان آن جامعه دارد و بالعکس، فساد و تباهی نظام سیاسی جامعه از ناکارآمدی و فساد نخبگان حاکم بر آن جامعه حکایت می‌کند.

متغیرهایی شامل ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها، سبک رهبری و شیوه تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرنده می‌شود؛ ویژگی‌هایی همچون احتیاط در برابر عجله و بی‌پروایی، دوراندیشی در مقابل عصبانیت، مصلحت‌اندیشی در برابر جزم‌گرایی، تواضع در برابر تکبر و تفاخر، احساس برتری در برابر احساس حقارت، خلاقیت در برابر تخریب‌گری، اعتمادبه‌نفس بیش از حد در برابر روان‌پریشی، شجاعت در برابر ترس، قاطعیت در برابر تزلزل، تساهل در برابر تقید و... این خصوصیت‌های فردی سیاست‌گذاران تأثیر انکارناپذیری بر سیاست خارجی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ۷۱).

گفتمان اعتدال با نفی توده‌گرایی در عرصه سیاست خارجی، موضوع هسته‌ای را مهم‌ترین مسئله امنیت ملی کشور می‌داند که باید آن را از

آفت‌های سیاست احساسی و توده‌گرایی مصون نگه داشت. از همین رو است که روحانی با تمرکز بر نخبگان و فراخواندن آنها به حمایت از سیاست‌های دولت، به دنبال تضعیف گفتمان رقیب و خردمند نشان‌دادن گفتمان خود در موضوع هسته‌ای است. روحانی با رویکرد نخبه‌گرایانه خود در پی انتقال بحث هسته‌ای از سطح افکار عمومی به موضوعی در سطح نخبگان بود (دهقانی، عطایی، ۱۳۹۳، ۱۰۹).

ویژگی شخصیتی تصمیم‌سازان و مجریان سیاست خارجی در کنار مؤلفه هویت ملی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و توانسته در برخی موارد با وارد کردن مؤلفه‌های واقع‌گرایانه، سمت‌وسوی تازه‌ای به سیاست خارجی ببخشد. در این خصوص می‌توان به ویژگی شخصیتی روحانی در سیاست خارجی اشاره کرد که بر اساس نگرشی است که نسبت به مدارا و پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی دارد. او ابتدای شعار انتخاباتی خود را بر مدارا نهاده است و بیان می‌دارد کشور به میزان بسیار زیادی از رفتار افراطی ضرر کرده است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷، ۹۹).

احاطه و اشراف روحانی به موضوع هسته‌ای، به دلیل داشتن سال‌های مسئولیت ارشد در این حوزه، شناخت، تجربه و آگاهی عمیق ظریف از صحنه بین‌الملل و همچنین تخصص در ابعاد مختلف حوزه هسته‌ای، به استفاده از این الگو در دولت وی منجر شد. روحانی با شناخت ساختار نظام بین‌الملل و محدودیت‌هایی که این ساختار برای ایران ایجاد می‌کرد، بر تعامل با نظام بین‌الملل، تأمین منافع دو طرف و بازی برد- برد تأکید کرد (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۷، ۱۹۷).

حسن روحانی با واژه اعتدال بیگانه نبوده است. سابقه حضور او در سیاست ایران نمایانگر مثنی خاصی است که برخی از آن تعبیر به اعتدال می‌کنند و مشخصاً راست مدرن است. دکتر حسن روحانی همچنین دارای نسبت‌های سیاسی و فکری با حزب اعتدال و توسعه است (ربیعی، ۱۳۹۳، ۷).

مؤثرترین شخص در بر ساخته شدن سیاست خارجی دولت اعتدال، محمدرضا ظریف تحصیل کرده روابط بین الملل از دانشگاه های آمریکا بود. بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ و جایگزینی دولت اعتدال به جای دولت اصولگرا، به قدرت رسیدن روحانی، مشخص شدن ظریف به عنوان وزیر امور خارجه ایران و تعبیر نرمش قهرمانه آیت الله خامنه ای به عنوان مجوزی برای انعطاف و مذاکره با آمریکا باعث شد جامعه بین الملل و قدرت های بزرگ به فهم و درک جدیدی از هویت سیاست خارجی جدید ایران دست یابند و همین امر باعث پیشبرد مذاکرات هسته ای شد. تسلط کامل ظریف به زبان طرف مقابل، تخصص، مهارت و مشهور بودن به واسطه حضور در مجامع بین المللی و داشتن تحصیلات دانشگاهی در رشته روابط بین الملل باعث شد جایگاه و شأن وی در دولت، نظام و جامعه بین الملل ارتقا یابد. تأکید بر رویه های چندجانبه گرایی، قواعد و هنجارهای بین المللی در مذاکرات بین المللی در مذاکرات بین المللی از ویژگی های هویتی - معنایی او محسوب می شود.

از دیدگاه ظریف، «اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیت ها به سمت آرمان هاست. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی به منزله حرکت واقع بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفت وگو، تعامل سازنده و تفاهم به منظور ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور است. در سیاست خارجی باید از تندروری خودداری کرد؛ چراکه تندروری نشانه ضعف و ترس است (ظریف، ۱۳۹۲).

سازگاری و انطباق انگاره های هویتی، ساخت های ذهنی، ویژگی های ارزشی نخبگان فکری و اجرایی دولت آقای روحانی در عرصه سیاست خارجی با هویت و دیسپلین غرب گرایانه جامعه بین الملل منجر به تعامل و تنش زدایی شده است. این امر به دلیل «شباهت» هنجاری، ارزشی و معنایی - هویتی نخبگان فکری و اجرایی سیاست خارجی دولت آقای روحانی با هنجارها و ارزش های غربی حاکم بر جامعه بین الملل، حقوق بین الملل و قواعد نظام بین الملل است. دیپلمات های ارشد، مسئول مذاکره مستقیم، گروه های

کارشناسان در حوزه انرژی هسته‌ای مثل آقای صالحی که نقش مشورتی و ارائه اطلاعات را بر عهده داشتند؛ همگی در دانشگاه‌های کشورهای غربی تحصیل کرده بودند.

مهم‌ترین عناصر معنایی-هویتی‌گفتمان اعتدال عبارت‌اند از،

۱. **اعتدال:** نخبگان ایرانی و جامعه ایرانی با اشکال و انواع افراط‌گری و عدم توازن در برهه‌های مختلف تاریخ مواجه بوده است. در گفتمان اعتدال، تعادل بین دوگانه‌های مختلف در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. در گفتمان اعتدال تلاش می‌شود تعادل بین دوگانه‌های سنت و تجدد، جمهوریت و اسلامیت، ایران‌گرایی و اسلام‌گرایی، تعهد‌گرایی و تخصص‌گرایی برقرار شود. بعد از انقلاب اسلامی افراط‌گرایان در هرکدام در دو سر طیف دوگانه‌های فوق قرار گرفته و جامعه را به سمت خشونت و افراط‌گرایی پیش بردند.

۲. **تخصص‌گرایی:** گفتمان اعتدال بر آن است که برای اداره کشور ملاک و معیار مهم شایستگی و توانمندی افراد و تخصص و مهارت‌ها و تجارب آنهاست. بنابراین سن، جنس، قومیت، مذهب، بومی/غیربومی، سطح تحصیلات و سابقه اداری را به‌عنوان ملاک‌های غیراصولی باید در نظر گرفت. تجربه نشان داده است عدم توجه به شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مدیران ارشد، آسیب‌های فراوانی برای اداره کشور به وجود آورده است. ضمناً فرض اصلی بر آن است که اکثر و عمده نیروهای موجود، تعهد دینی و ملی کاملی به آرمان‌های کشور و نظام دارند.

۳. **اعتدال در روش و منش:** گفتمان اعتدال بر آن است که با رویکرد متعادل و پرهیز از خشونت و ارباب (برای تحقق اهداف مطلوب) حاکم شود (حاجیان، ۱۳۹۳، ۷۲).

۴. محاسبه‌گرایی^{۱۱}: نخبگان اجرایی و فکری دولت یازدهم و دوازدهم در عرصه سیاست خارجی خصوصاً مذاکرات هسته‌ای نیازمند محاسبه‌گری، عقلانیت‌گرایی و محاسبه سود و زیان بودند. در واقع روحانی بر محور محاسبه‌گرایی «به جای شعارزدگی و هیجان‌زدگی به دنبال بیشینه‌سازی فواید و کمینه‌سازی هزینه‌ها بر اساس بازی برد-برد و تلاش برای یافتن راه‌حل اصولی و متوازن برای خروج از بن‌بست هسته‌ای با غرب بود» (دهقانی، عطایی، ۱۳۹۳، ۱۰۹). ایران برای کاهش درگیری‌های منطقه‌ای، اولویت‌بخشیدن به توسعه اقتصادی و رفاه و به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای نیازمند تعامل با آمریکاست (Monhipoueri and Dorraj, 2018). از دیدگاه روحانی و ظریف «جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک کنشگر محاسبه‌گر، ضمن افزایش قدرت و نفوذ خود، باید هنجارهای جهانی را مدنظر قرار دهد و معاهدات قابل پذیرشی را با مخالفان خود منعقد نماید» (Takeyh, 2013, 2).

۵. تجددگرایی با رویکرد توسعه اقتصادی: نخبگان فکری و اجرایی دولت اعتدال از زوایه و دریچه اقتصادی و تجاری مدرنیته را تفسیر می‌کردند و با همین ذهنیت منفعت و جهت‌گیری در سیاست خارجی را تعریف و تبیین می‌نمایند. «تحقق توسعه اقتصادی نیازمند الزامات خاصی در حوزه‌های مختلف است. از مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی توسعه‌گراست. اینکه ایران در جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری است هویت اسلامی و انقلابی خود را حفظ کند، الهام بخش باشد و با تعاملی سازنده در روابط بین الملل ایفای نقش کند، همگی پیرو انتخاب گزینه توسعه است.» (روحانی، ۱۳۸۷) بنابراین «با گشودن درهای اقتصادی ایران به روی فعالان اقتصادی سایر کشورها، ضمن نظارت بر فعالیت آنها، بخش خصوصی را هم در این زمینه بیشتر می‌توان به کار گرفت. (واعظی، ۱۳۸۷، ۴۸) اما «سیاست خارجی ایران وارد مرحله تولید ثروت نشده و این سیاست‌ها صرفاً در حوزه‌های امنیتی عمل کرده و به حوزه‌های اقتصادی،

تجارت، صادرات گسترده و بازارهای سرمایه وارد نشده است.» (سریع القلم، ۱۳۹۰، ۵۰).

۶. **رویکرد ابزاری به توسعه سیاسی:** به نظر می‌رسد نگاه آقای روحانی به توسعه سیاسی، برای جذب پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان و نخبگان آنها بود. جذب پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان باعث پیروزی روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران و قدرتمند شدن افکار عمومی حامی او در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای شد. جذب نخبگان و روشنفکران اصلاح‌طلب به دلایل ذیل صورت می‌گرفت،

- حوزه فعالیت نخبگان و روشنفکران عرصه عمومی بوده و تسلط بر عرصه عمومی و برانگیختن حمایت افکار عمومی، هدف اصلی دولت روحانی بود تا از این طریق برنامه‌های سیاسی را پیش ببرد. از دیدگاه روحانی، به نتیجه رسیدن برجام باعث توسعه اقتصادی، رفاه و رفع تحریم‌ها از ایران می‌شود. پذیرش این گزاره در عرصه عمومی باعث به نتیجه رسیدن برجام شد.

- روشنفکران و نخبگان تولید اندیشه و نظریه اعتدال را بر عهده داشتند تا از این طریق باعث اجماع‌نظر حول این مفهوم، هدایت درست سیاست‌های اعتدالی و جلوگیری از انحراف این سیاست‌ها شوند.

- هدف سوم دولت روحانی از جذب روشنفکران و نخبگان اصلاح‌طلب، مشروعیت‌بخشیدن به سیاست‌های خود و تبلیغ برای او بود. بعضی از نخبگان و روشنفکران اصلاح‌طلب به دلایل ماتریالیستی، کسب قدرت و ثروت و متنفع شدن از امکانات و مزایای دولت، به قیمت به‌حاشیه‌رفتن توسعه سیاسی، مایل به انجام این کارها بودند.

**بررسی سیاست خارجی روحانی؛ عقلانیت‌گرایی توأم با معناگرایی -
هویت‌گرایی**

مسئولان دولتی بدون توجه به ویژگی‌های فردی و انحصاری، با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند، نسبت به موضوعی از خود واکنش

نشان می‌دهند. جایگاه فرد در ساختار حکومتی، وظایف، مسئولیت‌ها و وفاداری‌هایی که بر اساس این جایگاه از او انتظار می‌رود، بر تصورات فرد از جهان و تصمیم‌گیری‌های او در عرصه سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد (Rosenau, 1971, 108). انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه، جهت افزایش قدرت وزیر امور خارجه و تبدیل یک پدیده امنیتی به پدیده سیاسی و قابل بده‌بستان، مذاکره و چانه‌زنی بود. در موضوعات امنیتی، به دلیل ماهیت و جنس این پدیده‌ها، چانه‌زنی و مذاکره به سختی صورت می‌گیرد.

از دیدگاه روحانی و ظریف، برای برای حل مشکلات اقتصادی و توسعه اقتصادی نیاز به غیرامنیتی کردن فضا و نرمال کردن^۱ سیاست خارجی داشتیم؛ «برای اداره کشور در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید به سمت غیرامنیتی کردن^۲ امور حرکت کنیم. لذا لیست موضوعات و پدیده‌های امنیتی بایستی تقلیل یابد و مسائل خاص هر حوزه در درون آن حل‌وفصل گردد» (حاجیانی، ۱۳۹۳، ۷۲).

ضرورت دارد شاخص‌های معنایی-هوبیتی سیاست خارجی دولت اعتدال که در بستر عقلانیت‌گرایانه پرورده شده‌اند، ذکر می‌شود،

- حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفت‌وگو؛

- تعامل سازنده، تفاهم به‌منظور ارتقای جایگاه منزلت، امنیت و توسعه کشور؛

- واقع‌بینی و خودباوری، واقع‌بینی به معنای شناخت نظام بین‌الملل، ماهیت ساختار و روابط قدرت، محدودیت و امکان‌زایی آن، باور به ارزش‌ها و

^۱ -Normalization

^۲ -Desecuritization

آرمان‌های انقلاب اسلامی، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ملی و پرهیز از تحقیر، تخفیف یا بزرگ‌نمایی دیگران؛

- اتکا بر توانمندی‌های مادی و معنایی کشور، عقلانیت و خردجمعی، طراحی، تدبیر، شجاعت و ابتکار عمل در سیاست خارجی، استقامت در پاسداری از ارزش‌ها، منافع و آرمان‌ها، صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی (بلوکی و دیگران، ۱۳۹۷).

- اصل عقلانیت و اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط بر اساس اصول و مبانی علمی اعتدال در راهبرد سیاسی و مناسبات بین‌المللی، خصوصاً در فرایند جهانی‌شدن کشور، باید همواره در نظریه و عمل مورد عنایت قرار گرفته و به لزوم تأسی از آن تأکید شود.

- پیگیری راهبرد تعامل مؤثر و سازنده و تنش‌زدایی با نظام بین‌الملل بر اساس اصل پذیرفته‌شده عزت، حکمت و مصلحت تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی و تعامل با جوامع بین‌المللی (قیومی، بهبهانی، ۱۳۹۳، ۲۶۹).

بر این اساس، دولت روحانی سعی کرد گفتمان اعتدال را هژمونیک کرده و بر آن مبنا سیاست‌های خود را دنبال کند. رویکردهای کلان سیاست خارجی دولت اعتدال، واژگان تعامل و دوری از تقابل، همواره در مرکز قرار دارد و بر این مبنا همواره به سمت کاهش تنش و افزایش همکاری پیش می‌رود که توأمان بخش‌هایی از جهت‌گیری سیاسی دولت سازندگی و اصلاحات در آن نمایان است (سنایی، حجت‌شمامی، ۱۳۹۶، ۱۴۱). از دیدگاه روحانی، پیامد و نتیجه سیاست اعتدالی، دوری از جنگ و تأمین منافع ملی است.

الف. اسلام‌گرایی با تأکید بر قرائت عقلانیت‌گرایی^۱

¹ -Rationality

روحانی سیاست اعتدال در سیاست خارجی را این‌گونه توضیح می‌دهد، «سیاست دولت در زمینه مسائل خارجی، سیاست اعتدال است؛ یعنی نه تسلیم، نه سازش، نه انفعال و نه تقابل» (روحانی ۱۳۹۲/۱۱/۲۲). روحانی با تأکید بر مفهوم «تعامل سازنده»، حل مشکلات کشور را از طریق دیپلماسی و مذاکره با جامعه بین‌الملل می‌داند؛ «پیروزی در سایه انزوا به دست نمی‌آید. در سایه تعامل به دست می‌آید. البته تعامل باید سازنده باشد، مؤثر باشد، توأم باشد با دیپلماسی و نرمش قهرمانانه. البته تعامل باید در کنار حاکمیت ملی باشد، استقلال باشد، اجرای خواست مردم باشد» (روحانی، ۱۳۹۲/۹/۱۲). از دیدگاه روحانی، در سیاست خارجی باید بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی توازن برقرار باشد؛ «دولت آرمان و واقعیت را کنار هم می‌بیند و بین آنها توازن برقرار خواهد کرد. در سیاست خارجی یک پایه ظلم‌ستیزی، تجاوزستیزی، استقامت، ایستادگی و استقلال و پایه دیگر تعامل مؤثر و سازنده با جهان است» (روحانی، ۱۳۹۲/۹/۱۲). جمهوری اسلامی ایران به همان اندازه که دستی در واقعیت‌های موجود روابط بین‌الملل دارد، خود را متعهد به ارزش‌هایی می‌داند که منشأ آن دستور الهی است (روحانی، ۱۳۹۱، ۸).

در گفتمان اعتدال، در سیاست خارجی، واقع‌بینی يك اصل است، اما با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران باید اعتدال بین واقع‌بینی و آرمان‌خواهی، توازن لازم را برقرار کند (روحانی، ۱۳۹۲). بر همین مبنا تلاش کرده در عین توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی را مدنظر قرار دهد؛ به‌گونه‌ای که آرمان‌های و ارزش‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نشود (اختیاری‌امیری، ۱۳۹۵، ۴۰). روحانی با تأکید بر فرهنگ و هویت ملی، بر ارتباط با دنیا تأکید می‌کند؛ «ما می‌خواهیم با حفظ فرهنگ و دین و اعتقاداتمان، با جهان رابطه داشته باشیم» (روحانی، ۱۳۹۶/۲/۱۷).
www.eghtesadnews.com

«[ای پیامبر] درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، در جواب آنها بگو، آن دو ضررهای فراوان و گناه بزرگی دارد و اگرچه به ظاهر برای مردم منافع مادی دارد، ولی ضرر و گناه آن دو از سودشان بیشتر است. از تو می‌پرسند از چه چیز انفاق کنند؟ بگو از مازاد زندگی خود. خداوند این چنین آیات را برای شما روشن می‌سازد تا شاید فکر و اندیشه کنید» (قرآن، بقره، ۲۱۹). طبق این آیه اگر گناه یک عمل از منافع آن بزرگ‌تر باشد، باید از چنین عملی اجتناب شود. با وجود اینکه معنای این آیه در ارتباط با شراب و قمار است، ولی با استناد به آثار و پیامدهای منفی حاصل از انجام این عمل، یک قاعده کلی به نام «اثم» استنباط شده است. برابر این قاعده، اگر پیامدهای یک رفتار از منافع و مواهب آن بیشتر باشد، ارتکاب آن عمل جایز نیست (آجرلو، مقصودی، ۱۳۹۷، ۱۰۷).

دولت یازدهم و دوازدهم از همان آغاز، بهبود و توسعه روابط با کشورهای منطقه، همسایگان و کشورهای دنیای اسلام را از اولویت‌های خود برشمرد و بیان کرد این موضوع در دستور کار دولت خواهد بود. اما مسئله هسته‌ای الزاماتی را ایجاد کرد تا ایران تمرکز خود را عمدتاً روی مذاکرات هسته‌ای و بهبود و توسعه روابط با کشورهای قدرتمند قرار دهد (اختیاری‌امیری، ۱۳۹۵، ۴۳). با توجه به موارد فوق، انعطاف زیاد دولت یازدهم در قبال اقدامات تنش‌زا و جنگ روانی عربستان علیه ایران در منطقه قابل تبیین است.

این مدل بر کارآمدی تعامل و گفت‌وگو، حکمت و علم در نیل به آرمان‌های انقلاب اسلامی و عبور از مشکلات اقتصادی سیاسی کشور در محیط داخلی و بین‌المللی باور دارد. این گفتمان بر آن است که با ابتنا بر خرد و منابع اصیل و سنت اسلامی و روحیه و منش ایرانی، به فراگفتمان انقلاب اسلامی نزدیک‌تر شود و قابلیت و توانایی بیشتری در نیل به پیشرفت در چهار عرصه زندگی، علم، فکر و معنویت داشته باشد.

گفتمان اعتدال همچون دیگر گفتمان‌های موجود در ساختار سیاسی انقلاب اسلامی از مبانی اسلامی برخوردار است، اما به همان میزان که از مبانی اسلام سنتی بهره‌مند است، به دنبال برجسته‌سازی نمادهای شیعی

برای تقابل بین‌المللی نیست. از این منظر، رویکردی ضد هژمون (ضد آمریکایی) ندارد. از طرف دیگر می‌توان گفت‌مان اعتدال را به لحاظ هویتی به مدرنیته نسبت داد. دولت روحانی با بهره‌گیری از مدرنیسم سعی در همسان‌سازی رفتاری با غرب برای اعتمادسازی بین‌المللی دارد، اما ادبیات این گفت‌مان برخلاف دوره اصلاحات مدرن نیست. بنابراین در ترکیبی از هویت ایرانی-اسلامی و مدرن به دنبال بهره‌گیری از همه سطوح تمدنی و هویتی در ارتباط‌گیری بین‌المللی است (سنایی، حجت‌شامی، ۱۳۹۶، ۱۵۲).

۲. قرائت عمل‌گرایانه و مصلحت‌گرایانه از حوادث تاریخ اسلام

روحانی با رویکردی مدرن، تفسیری منفعت‌گرایانه و مشروعیت‌ساز از اسلام و حوادث شاخص تاریخ اسلام شیعی مثل حماسه امام حسین (ع) و حوادث کربلا برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت خود استفاده می‌کرد. ضمن آنکه بر اهداف معنایی و غیرمادی این نهضت نیز تأکید داشت. «درس کربلا برای ما، درس تعامل سازنده و مذاکره در چارچوب منطق و موازین است. امام حسین (ع) به ما یاد داد حتی با دشمن، حتی با دشمن خود، باید به‌گونه‌ای رفتار کنیم که منطق دنیا، ما را پیروز در صحنه مذاکره بداند. ما امروزه در سایه تعامل سازنده با قدرت‌های بزرگ مذاکره می‌کنیم». این قرائت، خلاف قرائت مسلط از حادثه عاشورا است. صحبت‌های امام حسین در حادثه کربلا از باب هدایت و ارشاد خصم بوده است. این در حالی است که روحانی در سال ۱۳۹۷ درباره واقعه عاشورا در جلسه هیئت دولت قرائت و تفسیر دیگری ارائه داد، «ماه محرم همواره برای ما یادآور فداکاری و ایثار سالار شهیدان و یاران باوفایش است. این صفحه ماندگار تاریخ هر ساله برای ما درس‌آموز است که چگونه باید در برابر پیچیدگی‌ها و مشکلات بزرگی که برای جامعه اسلامی و مردم مسلمانان پیش می‌آید ایستادگی، مقاومت و فداکاری کرده و چگونه می‌توانیم پیروزی فرهنگی و سیاسی ابدی را کسب کنیم» (روحانی، ۱۳۹۷/۶/۲۲، www.Johanne.com).

قرائت حسن روحانی از صلح امام حسن با معاویه نیز قرائتی مدرن، عمل‌گرایانه و در خدمت مذاکرات سیاسی برجام است؛ «امام حسن (ع) می‌خواهند به ما یاد بدهند که باید به مصلحت امت و خواست مردم و جامعه توجه کرد و به نفع امت و جامعه اسلامی تصمیم گرفت» (روحانی، ۱۳۹۴/۴/۱۱، سایت دولت).

۳. سیاست خارجی ایران روحانی در قبال کشورهای اسلامی

روحانی با نظام معنایی حاکم بر گفتار خود و تیم همراهش، درصدد بود نگاهی واقع‌بینانه را بر ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم کند و علی‌رغم ناعادلانه‌خواندن ساختار موجود نظام بین‌الملل، سعی کرد ایران را بازیگری عاقل در نظام بین‌الملل معرفی کند. روحانی با انتخاب تیم و کادری اندیشمند و باتجربه در حوزه روابط بین‌الملل، تلاش دارد بیشترین بهره و منفعت را با وجود محدودیت‌های فراوان از حضور در عرصه خارجی برای ایران کسب کند. به باور این دولت، با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، تعامل با دنیا و احترام متقابل، می‌توان به دستاوردهای قابل قبولی رسید (بلوکی، ۱۳۹۷، ۴۶).

سیاست همگرایانه‌ای که روحانی در منطقه خاورمیانه پیگیری می‌کند، با مشکل مواجه شده است. ویژگی اصلی منطقه خاورمیانه حس عرب‌گرایی و عرب‌بودن است و به همین دلیل منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای مشکل به نظر می‌رسد. گفتمان هویت عربی و نقش آن در دیپلماسی خاورمیانه از مؤلفه‌هایی است که باعث می‌شود جهت‌گیری سیاست خارجی کشور در خاورمیانه به سمت عمل‌گرایی و ایجاد اتحاد با کشورهای همسو برود. به همین دلیل است که ایران سعی داشته است از این حوادث گفتمانی پدید آورد که وجه مشخص آن گذر از روایت صرف عربی آن است. در مورد ایران استفاده از واژه بیداری اسلامی، نشان از طرح این روایت دارد. طرح چنین روایتی در راستای حرکت ایران به سمت ایجاد معنا از بستر حوادث موجود است (احمدی‌خوی و دیگران، ۱۳۹۷). با وجود اینکه ایران از دریچه مذهب اسلام به تحلیل پدیده‌ها و حوادث منطقه خاورمیانه نگاه

می‌کند، اما اتحاد عربی- عبری- غربی علیه ایران باعث بحران‌ها و تشدید آنها در منطقه خاومیانة شده است.

ب, تعامل با غرب

روحانی بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ و مستقرشدن، سیاست تنش‌زدایی و تعامل با غرب را جهت حل مشکلات اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی که مهم‌ترین وعده انتخاباتی او بود، در دستور کار خود قرار داد.

۱. تصویرسازی هویت صلح‌طلبانه

در عرصه بین‌المللی، مهم‌ترین مسئله و وظیفه دولت توسعه‌گرا، ارائه و معرفی هویتی صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز از کشور است. در این زمینه کنشوری که قصد دارد فرایند رشد و توسعه را خیلی سریع طی کند، می‌بایست قبل از هر چیز هویتی از خود ارائه کند که دیگران رشد و توسعه آن را به‌عنوان یک تهدید در نظر نگیرند. تنها در این صورت است که سایر کشورها عملاً با تعامل و گسترش روابط، به تحقق اهداف آن کشور کمک می‌کنند. بر این مبنا، می‌بایست اقدامات و سیاست‌هایی در زمینه‌هایی همچون تنش‌زدایی، اعتمادسازی، بهبود چهره و اعتبار در اولویت قرار گیرد تا عملاً سیاست خارجی در راستای هویتی صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز قرار گیرد (محقق‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۴۰).

هویت مبتنی بر نقش به‌عنوان شاگله اصلی تصمیم‌سازی و اجرای سیاست خارجی به یک اندازه در منازعه یا فرونشاندن مناقشه هسته‌ای ایران تأثیر داشته است. از این‌رو لازمه حل بحران هسته‌ای تغییر درک طرف‌های مقابل از هویت ساخته‌شده ایران بود و زمینه این تغییر با تحول و بازاندیشی در انگاره‌ها، هنجارها و معانی به وجود می‌آمد. طبق این قاعده روحانی متأثر از ویژگی‌های فرد و ساختارهای ذهنی خود، با تأکید بر عناصری مانند تعادل، تعامل سازنده، خردگرایی و تعدیل ایدئولوژی، زمینه تحول هنجارها و باورها

را در سطح داخلی فراهم کرد. این امر باعث شکل‌گیری هویت خاصی مبتنی بر نقش در قالب فرهنگ تعاملی و کانتی و سپس ورود به تعاملات بین‌المللی با این هویت شد.

به باور روحانی «از طریق تعامل سازنده با جهان، اعتمادسازی، تنش‌زدایی، بهبود چهره و تصویر ایران و به‌خصوص از طریق کسب اعتبار، می‌توان ایران را نه به‌عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، بلکه به‌عنوان کشوری صلح‌طلب، اقتصادی و فرهنگی معرفی نمود» (بلوکی، ۱۳۹۷، ۴۹).

اصلاح تصاویر و برداشت‌های ایجادشده از نظام جمهوری اسلامی در بین سایر کشورها و نظام بین‌الملل، به‌ویژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی باعث شده است ما را ملزم کند چهره‌ای متعادل و متوازن از نظام جمهوری اسلامی ایران به نمایش بگذاریم. بازسازی ذهنیت منفی گذشته از روابط با سایر کشورها، به‌خصوص قدرت‌های تاثیرگذار در اقتصاد جهانی، نخستین الزام در دیپلماسی اقتصادی ایران است. این امر تلاشی است برای ساخت عناصر جدید بین‌الذهانی در بستر اجتماعی روابط بین‌الملل (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۳، ۳۳).

۲. غرب‌گرایی

بررسی سیاست خارجی ایران از قاجار تاکنون نشان می‌دهد گرایش به غرب یا شرق همیشه در سیاست خارجی توسط نخبگان محفوظ نگه داشته می‌شد. با وجود تأکید نخبگان فکری و اجرایی در سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی، غرب‌گرایی بر شرق‌گرایی برجسته‌تر شده بود.

از دیدگاه روحانی و سایر نخبگان فکری و اجرایی دولت اعتدال، هدف اصلی این دولت درمان آسیب‌های داخلی و رفع تهدیدهای بیرونی علیه جمهوری اسلامی است. روحانی برای دستیابی به این امر، در سیاست خارجی تعامل با قدرت مسلط جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا و در داخل کشور بر توسعه اقتصادی تأکید کرد. از دیدگاه روحانی، با توجه به فرایند جهانی‌شدن

و به هم پیوستگی اقتصاد جهان برای توسعه اقتصادی ایران نیاز به تغییر جهت گیری سیاست خارجی از شرق گرایی دوره احمدی نژاد به غرب گرایی با محوریت تعامل با ایالات متحده آمریکا است. تحلیلی که دولت اخلاقی با آن موافق نیست.

احاطه و اشراف روحانی به موضوع هسته ای به دلیل داشتن سالها مسئولیت ارشد در این حوزه، شناخت همراه با تجربه و آگاهی عمیق ظریف از صحنه بین الملل باعث اتخاذ رویکرد مسالمت آمیز و مذاکره با ایالات متحده آمریکا شد. مأموریت اصلی آقای ظریف، تنش زدایی با ایالات متحده آمریکا، رفع تحریم ها و تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی و بالابردن سطح همکاری با کشورهای اروپایی بود.

دولت روحانی با توجه به اینکه انعقاد برجام را نتیجه مذاکره ایران و آمریکا دانسته و آن را الگوی و دستاوردی مناسب برای مذاکرات آتی ایران و آمریکا می دانست، مجدداً پیگیر مذاکره با آمریکا برای حل و فصل سایر اختلافات با آمریکا شدند. آقای روحانی اولین کسی بود که اصطلاح برجام ۲ را وارد ادبیات سیاسی کشور کرد. وی ۱۴ بهمن ۹۴، در مراسم روز «فناوری فضای» بعد از برشمردن زیان هایی که از ناحیه تحریم بر اقتصاد کشور وارد شد و نیز تلاش های دولت او برای دستیابی به «برنامه جامع اقدام مشترک» چنین گفت، «ما از برجام یک عبور کردیم و امروز باید برجام ۲ را آغاز کنیم و همه از جمله موافق و منتقد دولت، باید دست به دست هم دهیم؛ چراکه در اهداف ملی و در توسعه کشور با یکدیگر اختلاف نداریم» (روحانی، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴). آقای روحانی در سال ۱۳۹۸ مجدداً مذاکره با آمریکا را مطرح کرد، «هر زمان آمریکا حاضر شود که تحریم های غلط، ظالمانه، نادرست و تروریستی را کنار بگذارد، مشکلی برای مذاکره نداریم» (روحانی، ۱۳۹۸/۹/۱۳).

اشخاص و نهادهای مختلف مرتبط با دولت کثرت گرا معتقدند برای رهایی از تحریم ها باید به معاهدات بین المللی پیوست. مثلاً برای مقابله با تحریم های آمریکا ضرورت دارد مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب

لوائح مرتبط با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) یعنی لوائح الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) موافقت کند.

دولت روحانی با این بحث که کشور از تحریم‌های آمریکا در صورت نپیوستن به FATF لطمه بیشتری خواهد خورد، از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواست تا لوائح الحاق ایران به کارگروه اقدام مالی را به تصویب برساند. «در کنار جنگ خاموشی که ایالات متحده علیه ایرانیان به راه انداخته و زمینه را برای بروز خشم و درگیری در داخل کشور فراهم نموده است، عده‌ای در داخل کشور هستند که به‌جای شرکت در برنامه‌های ایستادگی در برابر تحریم‌ها، با گفتن مرگ بر آمریکا و حرکات نمایشی بر این جنگ خاموش نفت می‌ریزند. عدم پیوستن کشور به مبارزه با پول‌شویی و کنوانسیون‌های FATF موجب تشدید تحریم‌ها می‌شود؛ یعنی اگر ما یک استراتژی ضد تحریم را انتخاب نکنیم، به شرایطی نزدیک می‌شویم که هر ایرانی می‌تواند با یک برچسب نامناسب طرفداری از تحریم‌ها یا علیه FATF به ادعاهای ضدپول‌شویی متهم شود که همگی مورد تأیید سازمان ملل هستند» (ریبیعی، ۱۳۹۸). از دیدگاه دولت کثرت‌گرا، توسعه و رفع مشکلات اقتصادی ارتباط وثیقی با پذیرش نظم جهانی و تعامل با قدرت مسلط جهانی دارد.

تیم مذاکره‌کننده دولت روحانی به‌طور محسوسی با پذیرش تفوق آمریکا بر نظام بین‌الملل، به‌گونه‌ای معتقد به تطبیق شرایط ایران با نظام هژمون و محیط بین‌الملل شده بود. بدیهی بر پایه منطق سیاست رئالیستی تا اندازه‌ای این منطق قابل قبول است، اما وقتی به انفعال بینجامد تبعات خاصی به دنبال خواهد داشت.

۳. تأکید بر رعایت هنجارهای بین‌المللی

حسن روحانی بر اساس نظام معنایی خود، یعنی توجه هم‌زمان به مصالح نظام اسلامی و منافع ملی کشور ایران، به رویکردی تعامل‌گونه با نظام

بین‌الملل توجه می‌کرد تا از این طریق فشارهای دنیای غرب را از ایران بردارد. به باور روحانی، توسعه اقتصادی و منزلت سیاسی جز با تعامل سازنده با نظام بین‌الملل به دست نمی‌آید؛ وضعیتی که بر پایه منافع مشترک و احترام متقابل و قبول هنجارهای بین‌المللی قابل حصول است. «هیچ‌گاه پیروزی در سایه انزوا به دست نمی‌آید، در سایه تعامل به دست می‌آید. البته تعامل باید سازنده باشد، مؤثر باشد، اجرای خواست مردم باشد» (روحانی، جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۲/۸/۱۲). به باور روحانی، پیروزی و اثبات حقانیت نظام جمهوری اسلامی در سایه تعامل به دست می‌آید. انزوا و سکوت نمی‌تواند حقانیت و برتری کشور را نشان دهد. باید توجه داشت که در نگاه و اندیشه دولت اعتدال، تعاملی مورد توجه است که سازنده و با رعایت احترام و منافع متقابل به دست آید (بلوکی، ۱۳۹۷، ۴۵).

نتیجه‌گیری

دولت یازدهم و دوازدهم متشکل از احزاب و گروه‌های سیاسی مختلفی در ایران، اعم از کارگزاران، اصلاح‌طلبان، اعتدال و توسعه، روحانیون و... است. نخبگان اجرایی و فکری دولت اعتدال، در عرصه داخلی توسعه اقتصادی و در عرصه سیاست خارجی تعامل با قدرت مسلط بین‌الملل را در دستور کار خود قرار دادند. از دیدگاه نخبگان فکری و اجرایی دولت یازدهم و دوازدهم، مهم‌ترین هدف و انگیزه رفتاری جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی به‌عنوان یک «دولت-ملت»^۱ تأمین منفعت ملی، توسعه و رفاه ملت است. مصحلت‌گرایی و عمل‌گرایی روح حاکم بر رفتار و کنش سیاسی نخبگان دولت یازدهم و دوازدهم است.

از دیدگاه روحانی، علت‌العلل بحران‌های اقتصادی و عدم توسعه اقتصادی در ایران، سیاست خارجی تقابلی با قدرت‌های بزرگ علی‌الخصوص ایالات متحده آمریکا است. بنابراین محور اصلی سیاست خارجی ایران در دوره روحانی بر مذاکره با آمریکا قرار گرفت. از دیدگاه او، اجرای سیاست‌های افراطی در عرصه داخلی و خارجی آسیب‌ها و تهدیداتی را متوجه ایران کرده

^۱ -Natian_State

است بنابراین ضرورت دارد برای دفع تهدیدات منبث از سیاست خارجی تقابلی با قدرت‌های بزرگ و اصلاح سیاست‌های آسیب‌زا در عرصه‌های مختلف داخلی، رویکرد اعتدال در کشور حاکم شود.

نخبگان متمایل به دولت روحانی، با رویکرد مبتنی بر عقلانیت، معتقد بودند زمانی انتظار روابط مسالمت‌آمیز بین ایران و آمریکا را می‌توان داشت که نخبگان سیاسی در دو کشور به سمت رویکردهای عمل‌گرایانه و مصلحت‌گرایانه متمایل شوند. از دیدگاه عمل‌گرایان، آمریکا با اتخاذ سیاست خصمانه علیه جمهوری اسلامی به مثابه یک مانع عمده برای توسعه عمل می‌کند؛ تا زمانی که این مانع برداشته نشود، امکان توسعه ایران اندک است. بنابراین تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا باعث جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی در ایران می‌شود.

در خاتمه باید گفت منفعت ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم براینده قرائت محاسبه‌گرایانه از انگاره‌های معنایی-هویت‌ی اسلامی و عقلانیت‌گرایی با تأکید بر توسعه اقتصادی تعریف می‌شد. سیاست خارجی روحانی غیرایدئولوژیک؛ ترکیبی متعادل از ذهنیت و عینیت و مبتنی بر مؤلفه‌های واقع‌گرایی و عمل‌گرایی است. هرچند روحانی خواهان تجدیدنظر اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال آمریکا بود، اما به علت خروج این کشور از برجام، روحانی نتوانست به وعده‌های اقتصادی خود عمل کند و با تضعیف حمایت افکار عمومی، قدرت چانه‌زنی‌اش با نهادها حاکمیتی برای راضی کردن آنها به ادامه مذاکره با آمریکا را از دست داد.

منابع

۱. احمدی‌خوی، امیررضا و دیگران (۱۳۹۷)، آرمان‌های راهبردی و عمل‌گرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۴، شماره اول، بهار.

۲. آجرلو، علی، مقصودی، مجتبی (۱۳۹۷)، بررسی نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بازدارندگی همه‌جانبه و متعارف‌گرایی، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان.
۳. آجیلی، هادی، افشاریان، رحیم (۱۳۹۵)، گفت‌مان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۵، شماره ۱۹ (شماره پیاپی ۴۹)، زمستان.
۴. اختیاری‌امیری، رضا (۱۳۹۵)، محدودیت‌های گفت‌مان اعتدال‌گرایی در ایجاد صلح منطقه‌ای (با تأکید بر روابط ایران و کشورهای عضوی شورای همکاری خلیج فارس)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۱، بهار.
۵. آجیلی، هادی، افشاریان، رحیم (۱۳۹۳)، کاربست سند چشم‌انداز در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی، فصلنامه آفاق، سال ۷، ش. ۲۴، پاییز.
۶. احمدی‌نژاد حمید و دیگران (۱۳۹۷)، تأثیر هویت نقشی بر راهبردهای تصمیم‌گیری در مورد پرونده هسته‌ای بازنمایی آن در دوره روحانی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، بهار.
۷. بلوکی، صالح و دیگران (۱۳۹۷)، تبیین سیاست خارجی دولت اعتدال از منظر تحلیل گفت‌مان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳۷، زمستان.
۸. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۳)، نسبت گفت‌مان اعتدال و هویت‌های جمعی در ایران، در کتاب رهیافت‌هایی بر گفت‌مان اعتدال، به کوشش ابراهیم حاجیانی با همکاری زهرا بهبهانی، تهران، فرهنگ معاصر.
۹. سنایی، اردشیر، حجت‌شمامی، رضا (۱۳۹۶)، مواضع گفت‌مانی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، ش. اول، بهار.
۱۰. سریع‌العلم، محمود (۱۳۸۷)، در مقدمه کتاب کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق.

۱۱. ظریف، محمدجواد (۱۳۹۲)، برنامه ظریف جهت تصدی وزارت خارجه؛ www.irdiplomacy.ir.
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
۱۳. ----- (۱۳۹۳)، گفت‌مان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وهشتم، ش. ۱.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، عطایی، محمد (۱۳۹۳)، گفت‌مان هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، ش. ۱. بهار.
۱۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصراطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، مترجم حسن چاوشیان، تهران، طرح نو.
۱۶. کاشی، غلامرضا (۱۳۹۲)، اعتدال یک گفت‌مان نیست، همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال، ۱۳۹۵/۶/۶.
۱۷. ربیعی، علی (۱۳۹۳)، اعتدال‌خواهی، موجودی تاریخی-اجتماعی، در کتاب رهیافت‌هایی بر گفت‌مان اعتدال، به کوشش ابراهیم حاجیبانی با همکاری زهرا بهبهانی، تهران، فرهنگ معاصر.
۱۸. روحانی، حسن (۱۳۸۷)، آیا سیاست خارجی ایران در مسیر چشم‌انداز است؟ همایش ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا (مجموعه مقالات)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۹. روحانی، حسن (۱۳۹۱)، گفت‌مان امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۵، زمستان.
۲۰. ----- (۱۳۹۷)، تعبیرهای رئیس‌جمهور از نهضت امام حسین(ع)، ۱۳۹۷/۶/۲۲، www.jahannews.com.
۲۱. ----- (۱۳۹۴)، دولت در پی شرایطی است که فشار بر مردم هر روز کمتر شود، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری.
۲۲. ----- (۱۳۹۲)، سخنرانی در جلسه هیئت دولت www.pressedent.ir.
۲۳. ----- (۱۳۹۶)، سخنرانی روحانی در جمع مردم ارومیه، www.eghtesadnews.com.

۲۴. روحانی، حسن (۱۳۹۸)، سخنرانی روحانی در همایش ملی بیمه و توسعه، ایرنا، ۱۳/۹/۱۳۹۸.
۲۵. واعظی، محمود (۱۳۸۷)، راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، همایش ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا (مجموعه مقالات)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۶. وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت، مترجم حسین بشیریه، تهران، نی.
۲۷. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴)، روش و بینش در سیاست (نگرش فلسفی، علمی و روش‌شناختی)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۸. قیومی، عباسعلی، بهبهانی، زهرا (۱۳۹۳)، جهانی‌شدن بر مبنای اعتدال و توسعه، در کتاب **رهیافت‌هایی بر گفتمان اعتدال**، به کوشش ابراهیم حاجیانی با همکاری زهرا بهبهانی، تهران، فرهنگ معاصر.
۲۹. معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی گفتمان‌های سیاسی در دهه چهارم انقلاب اسلامی (با تأکید بر گفتمان اعتدال)، در کتاب **رهیافت‌هایی بر گفتمان اعتدال**، به کوشش ابراهیم حاجیانی با همکاری زهرا بهبهانی، تهران، فرهنگ معاصر.
۳۰. کالبرگ، اشتفان (۱۳۸۹)، انواع عقلانیت از دیدگاه ماکس وبر، مترجم مهدی دستگردی، **مجله معرفت**، شماره ۸۰.
۳۱. محقق‌نیا حامد و دیگران (۱۳۹۷)، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست‌جمهوری دکتر روحانی در دولت یازدهم، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال نهم، شماره سی و چهارم، بهار.

انگلیسی

32. Headley Jim, (2007), *Identity in foreign policy Analysis*, University

33. Otego, Paper Presented (2007), at The British International Studies, **A association annual Conference University of Cambridge**, [http," www. Bi as. As. U k headley](http://www.Bi.as.As.Uk/headley).
34. Moshipouri Mahmoodand Dorraj Manochehr(2018),Iran's foreign policy, A Shifting Strategic Landscape, **Middle East policyCouncil**,www.mepc.org/Irans-foreign-policy-shifting-strategic-landscape.
35. Rosenau, James N (1976) The Study of Foreign Policy, in James N. Rosenau, Kenneth W.Thompson, Gavin Boyd (eds.), **World Politics, An Introduction**, New York, Free Press.
36. Takeyh Roy (2013), **The Rouhani Presidency, A kinder, gentler Islamic Republic?**, www.cfr.org/report/rouhani-presidency-kinder-gentler-islamic-republic.